



خاستگاه حق و حقوق از دیدگاه اسلام / نظام حقوقی ابزار نظام اخلاقی است

در اسلام، نظام حقوقی یکی از زیر مجموعه های نظام اخلاقی است و با همه احکام خرد و کلان خود چنان است که به آسانی و بدون هیچ تکلف و تصنعی در نظام اخلاقی می گنجد و کاملاً با آن سازگار و هماهنگ است.

در اسلام، نظام حقوقی یکی از زیر مجموعه های نظام اخلاقی است و با همه احکام خرد و کلان خود چنان است که به آسانی و بدون هیچ تکلف و تصنعی در نظام اخلاقی می گنجد و کاملاً با آن سازگار و هماهنگ است.

به گزارش خبرگزاری مهر، از آنجا که همه مسائل حقوقی به حق باز می گردد و از سوی دیگر همه اهداف مختلفی که برای حقوق قائل شده اند سرانجام به برقراری عدالت اجتماعی ختم می شود لازم است حق و عدالت را بشناسیم.

در ریشه لغوی عدالت و مشتقات آن نوعی تساوی و برابری ملاحظه شده است. "عدل" به معنای برابر کردن، مانند و همتا و برابر ساختن دو لنگه بار و "عَدْل" به معنای همتا، مانند و لنگه باری که با لنگه دیگر برابر باشد.

حق به طور کلی، اگر چه مفهومی اعتباری است اما ریشه های حقیقی دارد و از ارتباط بین فعل و هدف آن انتزاع می شود. در توضیح آن می گوئیم وقتی برای فرد، هدفی اخلاقی و برای جامعه هدفی حقوقی قائل شدیم و از فرد و جامعه خواستیم که برای تحقق هدف خویش بکوشند، طبعاً باید برای رسیدن به هدف خود از وسائلی استفاده کنند و باید حق داشته باشند که از جمیع مواهب خدادادی در راه وصول به غایت مقصود بهره ببرند. نمی توان از فرد و جامعه ای خواست که در راه نیل به هدفی تلاش و فعالیت کنند ولی به آنها اجازه استفاده از وسایل مورد نیاز را نداد.

استفاده فرد از همه قوای جسمی و روحی و استعدادهای گوناگون مادی و معنوی خویش و هر چه در بیرون وجود خود بدان دسترسی دارد اگر برای واقعیت بخشیدن به هدف اعلائی اخلاقی باشد، کاملاً مشروع و مجاز است. جامعه نیز به همین ترتیب حق دارد همه مواهبی را که در درون یا بیرون آن هست در مسیر تحقق دادن به هدف حقوقی خود استخدام کند.

هدف حقوقی جامعه تامین مصالح اجتماعی انسانها در دنیاست. اسلام و نظام های حقوقی دیگر در این مطلب اتفاق نظر دارند. آنچه اسلام و شاید نظام های حقوقی الهی دیگر را از نظام های حقوقی غیر الهی متمایز و ممتاز می کند این است که نظام های غیر اسلامی فراتر از هدف نهایی حقوق چیزی نمی بینند، اما از دیدگاه اسلام هدف نهایی حقوق به نوبه خود هدف متوسط و وسیله ای است برای نیل به هدف نهایی اخلاق که استکمال نفس انسان و تقرب به درگاه الهی است.

مکتب های دیگر، دوام و بقا آدمی را محدود به همین زندگی کوتاه این جهان می بینند، در نتیجه نظام های حقوقی که پی ریزی و عرضه می کنند تنها تحصیل مصالح جمعی انسانها را در نظر می گیرند تا یک زندگی آسوده و بی دغدغه برای اعضای جامعه فراهم آورند، اما اسلام در ورای زندگی این جهان به حیات اخروی قائل است و دنیا را جز مزرعه ای برای آخرت نمی داند، بنابراین در عین حال که پی به بهبود بخشیدن به اوضاع و احوال زندگی اجتماعی مردم است و بر اساس واقع بینی هر چه تمام تر، یک نظام حقوقی ارجمند و متعالی پی ریزی کرده، حقوق را به خدمت اخلاق گماشته است. از این رو در اسلام، نظام حقوقی یکی از زیر مجموعه های نظام اخلاقی است و با همه احکام خرد و کلان خود چنان است که به آسانی و بدون هیچ تکلف و تصنعی در نظام اخلاقی می گنجد و کاملاً با آن سازگار و هماهنگ است.

رعایت کامل احکام و قواعد حقوقی اسلام و عمل به مقتضای آنها علاوه بر آن که بهترین نظم و سامان را به زندگی اجتماعی انسانها می بخشد اگر به نیت نیل به کمال و سعادت راستین یعنی تقرب به خدا صورت پذیرد، در عین حال اطاعت از تکالیف اخلاقی هم هست، بدین سان یک فرد مسلمان اگر نظام حقوقی اسلام را بی چون و چرا گردن نهد و انگیزه او فقط کسب رضای خدا و نزدیک تر شدن به ساحت ربوبی باشد، هم مصالح دنیوی خود و جامعه اش را تامین کرده و هم خودش به کمال حقیقی نائل گشته، در نتیجه هر دو هدف حقوقی و اخلاقی را تحقق بخشیده است. به همین جهت در قرآن، احکام حقوقی همراه با احکام اخلاقی بیان می شود. چرا که همه احکام حقوقی اسلام باید در چارچوب اخلاق واقع شوند.

اکنون که روشن شد هدف نهایی نظام حقوقی از دیدگاه اسلام در حکم وسیله ای برای هدف نهایی نظام اخلاقی است می‌گوییم اگر هدف خدای متعال از خلقت جهان و جهانیان فقط استکمال یک نفر بود وی حق داشت که از همه مواهب الهی استفاده کند تا به هدف منظور برسد، ولی هدف از آفرینش، کمال یابی همه انسانهاست نه یک فرد، پس باید همگان حق استفاده از همه نعمت‌های مادی و معنوی را داشته باشند. اما در مقام عمل و زمانی که بخواهند از نعمت‌های خدادادی بهره‌برگیرند تزامم و کشمکش پدید می‌آید و برای از میان برداشتن تزامم‌ها تعیین مرز و حد برای افراد و گروه‌ها ضرورت می‌یابد تا هر فرد یا گروه به اندازه‌ای از مجموع نعمت‌های الهی بهره‌برداري کند که بهترین نظام تحقق یابد.

بنابر این خاستگاه حق از دیدگاه اسلامی یک سلسله امورحقیقی است، از سویی با "مبدأ" ارتباط دارد زیرا خداست که جهان و انسان را با هدفی معلوم آفرید و از سویی دیگر با "معاد" پیوسته است، چرا که آخرین منزل هستی انسان و غایت همه تلاش‌ها و کوشش‌های اوست و سرانجام با "حکمت الهی" پیوند دارد از آن رو که به مقتضای حکمت بالغه الهی باید نظام احسن برقرار شود و انسانها به گونه‌ای رفتار کنند که برترین کمالات تحقق یابد.